



خبرنامه

سال دوم

جریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۸

شماره: ۴۶

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

پیش بسوی سازمان‌دهی مسلح توده‌ها!

تکثیر از

پهلو ۲۰ آرغال

حواصلا: جریکهای فدائی خلق ایران

توربین سازه شکنجه

حکومت‌های ضد خلقی هرگاه که با فریب دختم توده‌ها و اعتراض آنان نسبت به مظالم، اجفانات و فساد حکومت مواجه میشوند کوشش مبتدیانانه همراه با سرکوب، با انجام باره‌ای کارها و تسلیفات وسیع حرکت توده‌ها را بخوابانند و خشم آنان را فروشانند تا حکومت را از قوا انقلابی توده‌ها در مان نگاه دارند. بارزترین نمونه آن را خلق مادر هنگام جنبش قهرمانانه خود در سالهای ۶۶ و ۶۷ شرح کرد. هر چه حرکت توده‌ها وسیع‌تر و عمیق‌تر شد، محمدرضا شاه خائن، همراه با سرکوب جسش توده‌ای دست به اقدامات وسیعتری در جهت آرام نمودن حرکت توده‌ها زد. فی الحثل او امثال هوبدا، داریوش همایون، آزمون، نیک پی و... را بر سر راه انداخت تا شاید توده‌ها بفرماندها "فساد" و "رشوه‌خواری" مخالفت‌هاست و خوردنیز از اینگونه اعمال مگری است. و بدین ترتیب یکی از فاسدترین چهره‌های تاریخ ایران میکوشید تا با اینگونه اعمال چهره خود را بپوشاند و منزله‌شان دهد. او نه تنها دستور رسیدگی به اموال وزراء و مدیران کل و کارمندان عالی‌رتبه را صادر کرد بلکه همچنین دستور رسیدگی به اموال خاندان سلطنتی را نیز داد و دیدیم که کارنامه‌های محمدرضا شاه به آنجا رسید که در سخنرانی خود خطاب به مردم گفت که "صدای انقلاب شما را شنیدم"!! اما کدامیک از این دوزوکلکها می‌توانست توده‌های را که سال‌های سال حکومت سرنیزه و تسلیفات جهنمی حکومت شاه آنها را به صلابه کشیده بود بشیرید و دیدیم که نفریفت.

از جمله مسائلی که در آن زمان مردم ما نسبت به آن حساسیت بسیار زیادی داشته و تنفر خود را نسبت بدان ابراز مینمودند، مسئله شکنجه زندانیان سیاسی توسط حکومت محمدرضا شاه بود و اگر شاه خائن در سخنرانی‌های خود گاه و بیگاه و تا حدودی به "اعمال شکنجه" اعتراف میکرد و آنرا امری لازم و واجب میشد، اما پس از اوج‌گیری مبارزات توده‌ها، خود را بی‌خبر از آن نشان داده و از یکسوی او روسته "دفتر بازرسی شاهنشاهی" را برای رسیدگی به این مسئله "به زندانهای سیاسی روانه ساخت و از سوی دیگر با بازدید نمایندگان طبیب سرح بین المللی از زندانها موافقت نمود، شاید که توده‌ها بپذیرند که محمدرضای جلاد شکنجه و آزار و اذیت زندانیان سیاسی بی اطلاع بوده است.

اکنون مسئله شکنجه زندانیان سیاسی و حتی زندانیان عادی را یاد بگیرد و در جنبشهای وسیع در سطح جامعه مطرح شده است. موارد شکنجه آسپان زیاد است که در یک کتابچه که در اختیار ما است در مورد آن دچار شک و شبهه نباشد. آندسته از توده مردم که گمان میکردند که حکومت جمهوری اسلامی با قیام قهرمانان آنان بر تخت حکومت نشسته است گمان نمی‌بردند که با دیگر شکنجه در جامعه وجود داشته باشد، زیرا که یکی از خواستهای آنسان در هنگام خیزش بر علیه حکومت دست نشانده شاه مسئله نابودی شکنجه و شکنجه‌گران بود، اما اکنون آنان میبینند که با زخم زندانیان سیاسی ای وجود دارند که به خاطر مقاومت خود در زندانها محبوس شده‌اند و با زخم شکنجه در مورد آنان و حتی زندانیان عادی در سطح وسیع اعمال میشود. تمام باندهای سیاه حکومتی که از عناصر و اکی‌تفذیه میشوند و دستگامها و اکثرون بریاست ما در طی طباطی و تحت نام ساوا ما به فعالیت مشغول است، جنگی به اعمال شکنجه مشغولند و آنرا چه در درون زندانهای رژیم و چه در خانه‌های امن مورد استفاده قرار می‌دهند. این باندهای سیاه و ساواک دوباره سازمان یافته و زندانیان معروف زندانهای قهر و اوبین و کمیته‌ها حتی کارآبدانجا رانده اند که دیگر ضرورتی نمی‌بینند تا شکنجه را تحت نام "حداشرعی" انجام دهند. اگر حکومت شاه اعمال شکنجه را توسط ساواک و اطلاعات شهریانی انجام میداد حکومت فعلی نه تنها توسط همین ابزارها بلکه بوسیله تمامی باندهای تازه سازمان یافته آنرا انجام میدهد. اکنون وضع بیگانه‌ای شده است که فی الحثل حزب جمهوری اسلامی و زائده آن یعنی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، برای خود دارای گروه‌های متعدد شکنجه گری خصوصی در شهرهای مختلفند که از انجام هیچگونه عملی باک ندارند. آنها تمامی سیستم‌های شکنجه محمدرضا شاه را دوباره بکار گرفته‌اند و برای هواداران خود نیز توجیهاتی در این زمینه می‌تراشند که فی الحثل برای نجات "اسلام" باید شکنجه کرد.

ما گزارشهای متعددی درباره شکنجه هواداران خود که بجز فروش کتب و نشریات و یا بخش اعلامیه‌های مساب دستگیر شده‌اند در دست داریم که گهگاه در خبرنامه نیز درج شده است. در تمامی موارد شکنجه‌ها و حبس‌ها نمودار شده است. ندیده است که نشاندهنده خوی حیوانی شکنجه‌گران و اربابان آنهاست. نه تنها هواداران ما بلکه هواداران غالب سازمانهای سیاسی نیز با مسئله شکنجه مواجه بوده‌اند.

هنگامیکه صدای اعتراض توده‌ها نسبت به اعمال شکنجه بلند شد، سردمداران حکومت جمهوری اسلامی دیگر نمیتوانستند همچنان خود را "به آن راه" بزنند. بنی مدیریت زرتنگی همیشگی برای آنکه خود را موافق مردم و میری از اینگونه اعمال نشان دهد و در ضمن تمام تقصیرها را گردن حریف مقابل یعنی حزب منسوب

فراگیر جمهوری اسلامی بیاندازد، قبل از دیگر گردانندگان حکومت، مسئله شکنجه را که ماهها در میان توده‌ها مطرح گردیده بود، مطرح کرد و مخالفت خود را با آن ابراز داشت. طبیعی بود که این حمله بی‌مدرسه شکنجه شکنجه‌ها - کران قبل از همه در میان سبک حزب رستاخیز دیده یعنی حزب جمهوری اسلامی میشد زیرا که تمامی زندانها در دست این حزب است. حزب جمهوری اسلامی نیز برای مقابله با بنی صدر و حفظ حیات در خطر افتاده خود ستانها را مسئله شکنجه را انکار کرد و ما را دیگر خود را مضحکه ساخت و هنگامی که برای توجیه هر چه بیشتر موضع احمقانه خود گذاشت - جز از گرفتن چنین موضعی است، دست و پای بیشتری میزد هر چه بیشتر مفتوح میگردد. فی المثل میبینیم که در روزنامه‌ها این حزب یعنی روزنامه جمهوری اسلامی خبری با تندرست درج میشود که " ۳۶ شکنجه‌گر ما شود - نسبت دستگیر شده‌اند " و سپس در خبر میخوانیم که عده‌ای را بنام هواداری از سازمان کومله دستگیر کرده‌اند، اینجاست که مضحکه کامل میشود. حزب جمهوری اسلامی بدین ترتیب میکوشد تا این دروغ شاد را در القاء کند که این سازمانهای سیاسی هستند که به شکنجه مشغولند و تا پنداندند که این سخنان تنها تمسخر خوانندگان آن روز - زی نامه را برمی انگیزد.

حزب فراگیر جمهوری اسلامی هر چه بگوید و هر چه بگوید که از آن است که این حزب وحشی خود بینی صدر گمان برده‌اند. اکنون خمینی برای خواناندن صدای اعتراض مردم هیئتی را که در راه آن حجت الاسلام محمد منتظری شخصی که بیدار و معنی آیت الله منتظری، عدم وجود یک " عقل سلیم " را در بدن ایشان رسماً بست روزنامه‌ها اطلاع داده، مسئول رسیدگی به مسئله شکنجه نموده است. این شیوه قبلاً نیز بارها توسط حکومت بکار گرفته شده است. فی المثل هنگامی که صدای اعتراض مردم درباره دزدیها و زد و بندهای درون " بنسناد مستضعفین " بلند شده و توده‌ها نام مناسب بنیاد مستکبرین را بدان دادند، خمینی هیئتی را ماه مور رسیدگی بوضع " بنیاد مستضعفین " نمود و دیدیم که پس از آنکه آنها از اسباب افتادگی از نتیجه بررسی هیئت خبری بنیاد و حکومت هم بدان دلخوش کردند که " مسئله را از سر زبانها انداخته است " و حال میکوشد تا با آنها اندام - خست هیئت بررسی مسئله شکنجه را بدینگونه‌ای برویه قضیه راهم آورد.

اعمال شکنجه توسط یک حکومت نشاندهنده اوج انحطاط و زوال است و ماهیت ضد خلقی اوست. حکومت و استبداد میرا لیسم جمهوری اسلامی با شکنجه فرزندان ما از خلق تنها ما هست خود را به نمایش میگذارد. اگر در دو - زان حکومت شاه، جلادان با واک کوشش میکردند تا با شکنجه به روابط و مناسبات سازمانهای انقلابی دست پیدا کنند و علیرغم تمام تلاش‌های مذبحانند آنان دیدیم که این سازمانها بر جای ماندند و شکنجه‌ها نیز بسند عملی بر علیه خود حکومت تبدیل شد، اما در دوران کنونی شکنجه حتی این " فایده " کوتاه مدت را نیز برای حکومت نخواهد داشت. در شرایطی که جنبش توده‌ایست، شکنجه عناصر انقلابی و مبارزان، کارائی‌های دلخواه حکومت و استبداد میرا لیسم را ندارد و تنها به رسوا شدن آن کمک خواهد نمود.

* * *

سورگ بسو شکنجه گران

توطئه ای جدید بر علیه چریکهای فدائی خلق ایران

سازمردم جمهوری اسلامی با استفاده از تکردهای ساواک و کمیددستی همان روسیادست دروغگوئی
چهره خورده است.

تمامی روزنامه‌های مزدور با درج خبری جعلی و با حروصی درشت که نشانی‌دهنده برنامہ سازمان بافتند
است. خبر از دستگیری دو تن از اعضاء حرکتی فدائی خلق ایران داده اند و یکی با سر همسندی حملاتی که
نشان ارتفکر منحنی و منشی ساواکی آنها میدهد. کوشیده اند تا بدینوسیله چریکهای فدائی خلق ایران را
سندیه حکومت ضد خلقی عراق نشان دهند و سپس با طرح مسئله کشف دوست، بسنگ‌داریهایی را که چندین ماه
در سهران رخ داده ما منتسب گردانند.

ما بدینوسیله اعلام میداریم که افرادی نامبرده شده هیچگونه ارتباطی با حرکتی فدائی خلق ایران
- سه و آنها ما با کشفی که در روزنامه‌های سنگین حکومتی چاپ شده است تنها با آ و ر حقه‌ها و شکردهای تبلیغاتی
حکومت محدود را تا هی و دستگاه جاسوسی ساواک است که اکنون تحت نام ساوا ما با فعالیت منقول می‌اند. خود
درج خبر و حکومتی تنظیم آن برای اذهان حساس خلق ما آشناست. زیرا که سالهای سال، در دوران حکومت
سوز محمد رضا شاه با چنین اخباری و سر همسندی کردن دروغهای آشنا هستند.

لحن بواکنشی‌های همیشگی سنگین نامه‌های حکومتی بر علیه سازمانهای انقلابی و مبارز و جعل اخباری
از این دست و با انواع اخبار نهادت چهارتنی از فریب‌دان خلق سرکس در سال گذشته با تکرار و وحت حکومت
از سازمانهای انقلابی محمله چریکهای فدائی خلق ایران است. اگر حکومت محمد رضا شاه نتوانست با حسن
اخبار دروغ بر علیه سازمانهای مبارز حیات سنگین خود را ادامه دهد، اینان سردرگم را خود موفق خواهند.

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است
سازمردم فدائی خلق ایران و دفاعکاران
سازمردم سراسر ایران و سبکهای زحمتکش
سازمردم سراسر ایران و سبکهای زحمتکش
حرکتی فدائی خلق ایران

شماره : ۵۸

۵۹/۱۰/۲۲

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که سرکوب انقلابیون و خلق رزمنده کرد را مهم سوار حگ
سازمردم مزدور عراق میدانند، از این فرصت که گویا جنگ ارتجاعی دودولت ضد خلقی ایران و
عراق فراهم آورده است استفاده کرده، شهرها و مخصوص روستاهای کردستان را با فاشیونمیای
آمریکائی بمباران میکند.

مردم زحمتکش سبکهای کردستان محمله مردم سردش برای رهائی از سواران و گنو

سازمردم رژیم وائسده جمهوری اسلامی از
خانه و کانه خود و آره کوهها اندسد.

آنکاد مزدوران رژیم ضد خلقی جمهوری
اسلامی مدعی اند که خانه‌های "جانبی"
(یعنی همان منازل مردم زحمتکش و آره)
را بنفع "مستضعفان" مصادره خواهند کرد.

رهی سر می و فاجاد!

خانه‌های خالی سردشت به نفع مستضعفان

مصادره میشود

ایستاد حرکتی کیمین : فرماندار سردشت اطلاعیه
شماره ۳ خورانه‌ای شرح انتشار داد:
بسمتعالی : با به اطلاعات رسیده ضابطان با پیش
ساخت مردم شهرستان سردشت را از خانه‌هایشان در بند
میرساند. از مردم شهرستان سردشت درخواست می‌گردد که این
تاریخات توجهی نکند و بسند کدگاری تاریخچه و مصادره‌ای
چاپ شده به نفع مستضعفان شهرستان سردشت مصادره شود
تکرار صاحبان خانه بی‌توجهی در این مورد نخواهد داشت

کیمین ۵۹/۹/۳

باز هم یورش ارتجاع ، باز هم مقاومت

با درود به مردم مبارز و شهیدان آمل ، خصوصاً اهالی قادی محله و اسپه کلا .

از روزیکه سردمداران حکومت کنونی در نتیجه سازش با امپریالیسم (مذاکرات سه جانبه بهشتی - هوریز - سازگان - قبل از ۲۲ بهمن ۵۷) به روی کار آمدند ما هر روز شاهد یورش همه جانبه آنان در اقصی نقاط کشور به مردم و کانونهای دمکراتیک بوده ایم . در ابتدا آنها سعی نمودند زیر پوشش مردم (بخوان جما قدران) و انجمنهای اسلامی چهره کزیه خود را پنهان دارند . ولی حال که بدین وسیله موفق به سرکوب مبارزات مردم نشدند و دیگر جناحی عوام فریبشان رنگی ندارد و پشت رسوائی شان را در هر کوی و سرزنی می زنند چاره ای جز سرکوب مستقیم ندارند . این خائنین سنام " اسلام " و بی نام " مردم " از هیچ جنایتی ، از سرکوب زحمتکشان کردستان گرفته تا کشتار روحیان و دانشجویان و دیگران نیستند و تا زده اسم آن را " عمل انقلابی " میگذارند . کاریجائی رسیده است که سانسورچی معروف قطب زاده این سگ درگاهشان و عضو شورای انقلاب ، دشمن را کا میگیرند و از خفقان مینالند پس وای بر مردمی که نخواهند زیر بیرق آنها قرار بگیرند .

مردم مبارز آمل :

همان طور که میدانید شهیدان چند روزی است مورد هجوم با ساداران فدا انقلاب و جما قدران و قداره پندان وابسته به سیج " مستضعفین " قرار گرفته و کمتر خانه و خانواده ای از تعرض و غارت آنان تا این لحظه در امان ماندند آنها وقاحت را بدانجا رسانند که حتی در چندین محله پس از حمله بخانه اموال خانه را به غارت بردند و سرزندانان را دستگیر و به زندانهای اطراف اعزام داشته و تا این لحظه طبق اطلاعاتمان یک نفر از اهالی آمل و یک نفر دیگر که تا کنون شناسائی نشده توسط گلوله با ساداران به شهادت رسیده و چند صد نفر زخمی گردیدند . حال پرسیدنی است این حامیان دروغین مستضعفینی که در ابتدا از دستگاههای تبلیغاتی شان دم از مردم می زدند و ۹۸٪ را دشمن تکرار می کردند چرا این چنین به مردم یورش می آورند ؟

برای آنکه در نتیجه اعمال دوساله این آقاییان مردم روز بروز بیترید ما هیت آنان پی بردند و احساس نمودند که این حکومت ، حکومتی نیست که منافع آنان را تاءمین نماید بلکه وحدت بین حکومت و امپریالیسم محکمتر و اصلی ترمی باشد . ولی باید بدانند که ظلم رابقائی نیست و روزی خواهد رسید که خلق با مبارزاتش آنان را بد زباله دان تاریخ پیرت نماید .

اکنون که رژیم فدخلقی جمهوری اسلامی برای تاءمین منافع امپریالیستها درگیر جنگی غیر عادلانه با رژیم مزدور عراق است و حتی در این شرایط از صلح کردن توده ها وحشت دارد و می خواهد با استفاده از شرایط جنگ به سرکوب جنبش و نیروهای انقلابی بپردازد اما مقاومت یکپارچه خود و شناخت رادپرست مبارزه ، باطنی و جریانات منحط و سازشکاری از قبیل فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده که حکومت را با تمام فجایح د و ساله اش " ملی " و فدا امپریالیست می خوانند ، بپوزهای تازه بدوران رسیدگان راهمانند ملافتشان به خاک بسالیم و بیاد داشته باشیم که مبارزه سخت است و طولانی و تا قطع سلطه امپریالیسم ادامه خواهد داشت .

نهال انقلاب را خونهای شهیدان با رور خواهد ساخت سرانجام بیروزی از آن خلق و نیروهای انقلابی است .

گرامی باد خاطر شهیدای بخون خفته
هر چه گسترده تر باد مقاومت خلق در مقابل یورش ارتجاع
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست
مرگ بر امپریالیسم و گبهای زنجیرین

سازمان به بیروزی راهمان
هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - آمل

۳۳/۹/۱۴

زندانی سیاسی ، آزاد باید گردد

سرکوب و حشیانه رژیم و حماسه مقاومت نوده‌ها

سازدهی مزدوران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی دست در دست سپاه پاسداران، این ارتکان جدید حماسه کمیت امیرالیهستی، شیرآمل را به خون فرزندان دلسیر مسین غرقه ساختند. این اولین بار است وی سرود آفرین بار هم جدا شد و که حکام ضد خلقی دست خود را محور فرزندان و زمینده خلق آغشته کرده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی که در جریان تمام حوسس خلقهای قهرمان ایران، در نتیجه مارتی با امیرالیهستم بر تخت قدرت تکیه زد، رسالت کنترل مبارزات غذا امیرالیهستی خلقهای ایران و ترمیم ضربات وارده سرارگانها و سرمایه امیرالیهستی را سفیده داشت. این "وظیفه" تا آنجا که رژیم متکی به توهم شده‌ها بودیوسفند میرسد، و زمانیکه فریب‌گاری و سازشی افتاد با سرکوب صورت میگرفت و میگیرد. این هدفی بود که رژیم ضد خلقی حاکم با تمام توان و توان خود در جهت تحقق آن گام برداشت، اما اگر به نتیجه مطلوب نرسد، نه آنطور که خائسینی از قماش "اکثریت" تبلیغ میکنند، بدلیل خلقی بودن و صدا امیرالیهستی بودن حاکمیت بلکه بدلیل رند روزی افزون مبارزات نوده‌ها است. نوده‌هایی که تمام حوسسین بهمن ماد سال ۵۷ را پشت سر گذاشته‌اند، نوده‌هایی که در جریان مبارزات قهرمانانه خود دست خونها را امیرالیهستم را در آستین مزدوران داخلی اش شناخته‌اند، بلافاصله بعد از قیام همان دست را، اسباب در آستینی گشاده کردند. چه کسی میتواند سرکوب و حشیانه خلقی سرکن و ترور فرزندان پر زنده‌اش را فراموش کند، چه کسی میتواند سرکوب خونبار خلقی عرب، بمباران مداوم کردستان قهرمان، سرکوب و کشتار کارگران و زخم کشانی را که در هر نقطه ایران برای مطالبه حقوق خود بیساخته‌اند، نادیده بگیرد؟ حرفت ظلمان و سازشکاران و خیانت پیشگان، چه کسی میتواند حمایت از فرما ندهان مزدور ارتش و ترمیم ارتش امیرالیهستی را بدست رژیم ضد خلقی حاکم، وامهای کلانی را که بیست کسنگی کارگران به سرمایه داران و استبداد داده میشود، اخراج معلمان و دانش آموزان انقلابی و مبارز را که بدست بازگشت محدودا و اکسپا و مزدوران رژیم سابق سرکار انجام میدهد، نادیده بگیرد و از آن بگذرد، و بند لایحه‌های حوسسین و خائسین به خلق مستوانه حمایت رژیم ضد خلقی حاکم را رحمت الهی نلغند و کند که از آسمان هفتم، برای نوده‌های در سندان ایران نازل شده است؟

آنچه در آمل گذشت جزئی از سیاستهای سرکوب حاکمیت امیرالیهستی و گونهای از مبارزه صدا امیرالیهستی بی غیر نوده‌ها است که از چهار سال پیش تا کنون بی وقفه ادامه یافته و روزه اعتلا است. مبارزه‌ای که با بدر جریان خود، رهبری واقعی خود را بیاید و امیرالیهستم و گنهای زنجیریش را کور بسازد.

مردم آمل در جریان مبارزات روزهای ۱۱ تا ۱۴ آذر خود یکبار در سر جبهه خشن و ضد خلقی مزدوران امیرالیهستم را هر چه عریا نتر دیدند. مردمی که آماج گلوله و گاز اشک آور پاسداران ضد خلقی قرار گرفتند و با سنگی - بندی و آتش زدن لاستیک و بادبندی از حشم و نفرت به مقابل رویا روشی با پاسداران پیدا خشنه و دارو، بنه آسلیمو، سرکه و همه وسایل دفع هجوم مزدوران راهبرها امیرالیهستی خود نشان فرزندانشان دلیرشان کردند. مردم با پاسداران همانگونه مقابله کردند که با مزدوران محمدرضا شاه، یک بار دیگر شاست شده که دیکتاتور و سرکوب نظامی جزء فدائی ناپذیر سلطه امیرالیهستی است و تنها مانا بودی نطقه امیرالیهستم، نابود خواهد شد. مردمی که مورد هجوم سلحها مزدوران امیرالیهستم قرار گرفته بودند، بدستهای خالی خود دستگیر شدند و هر چه دستگیره صورت تبلیغ بی میبردند، یک بار دیگر شاست شده که تنها یک خلق مملح است که میتواند آزادزند. کی کند.

روز سه شنبه ۵۹/۹/۱۱ پاسداران مزدورین از سطح حماقتداران، به قصد صرف تکیه "قادی محله" که سر از قیام بوسله هواداران معاهدین خلق اداره میشد، به این تکیه بورش آوردند. درصت مقابله هواداری ان معاهدین خلق و نیروهای انقلابی به مقابله با پاسداران پرداختند. بی از آنکه حماقتداران از عیب شده "انجام وظیفه" برتیا مندند. سراداران مزدور شرشان وارد محله شدند. پاسداران با لشک متوالی مسلسل و تارا شک آور تعدادی حدود ۴۵ نفر را دستگیر کردند اما موفق به تصرف "تکیه" نشدند.

صبح روز چهارشنبه ۵۹/۹/۱۲ مادران دستگیر شدگان روز قبل در ساختمان فرمانداری آمل تعصی کردند

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

و حواس تا آزادی فرزندان در زندان شدند. جماعتداران که از طرف سیاه پاداران حمایت میشدند، بدتحصیل مادران نیز هجوم آوردند و تعدادی از آنها را زخمی کردند. فرزندانی انقلابی و مبارزه دفاع از مادران بره خاستند و پاداران نیز به حمایت از جماعتداران مزدور و افسانه آمریکایی خود روی مردم آتش گتودند و تعدادی - دی را زخمی و دستگیر کردند. اما مقاومت یکبار خود مردم و حمایت آنها از فرزندانی انقلابی و مبارزه سیاه پاداران حکومتی را اصراری داد. در این روز، پاداران که از قبل بوسیله سیاه پاداران تهران و اصفهان تشویق شده بودند، از سیاه پاداران باسل، با سروما ری نیرکمک خواستند تا حملات سعدی خود را در بند حوثی درجه سینه تریه انجام رسانند.

روز ششمشنبه ۵۹/۹/۱۳ مزدوران مسلح به جماعتی، قلمه و داس به همراهی پاداران سرمایه های آمپریات - نستی محمدا " سدنکبه " قادی محله " بورس آورندند. مزدوران تنها بین از شلیک گلوله های فراوان و پرتاب گازهای اشک آور موفق به تصرف " تکیه " مریور شدند.

حمله او باش و پاداران تنها متوجه تکیه " قادی محله " نبودند. آنها در شنبه ۵۹/۹/۱۳ به کتابخانه سعید محسن واقع در " اسکی محله " هم بورس آورندند، ولی با مقاومت یکبار رزمین و انقلابیون و میدمی که حمایت فعال از آنها بر خاسته بودند، مواجه شدند و عقب نشستند.

بعد از ظهر چهارشنبه ۵۹/۹/۱۳ در " اسکی محله " علفه ای برپا بود. تمام مردم محل از خانه ها بیرون آمده بودند و در انتظار هجوم پاداران بودند. حیواناتها بسته شده بودند. لاسنگهای کهنه ای که برای خنثی کردن گاز اشک آور مسوخ شده بودند میگردید، خاطره روزهای قسام را زنده میکردند. جوانان انقلابی و مبارز در تیمهای منظم به محافظت از کوجه ها و خیابانها مشغول بودند. مزدوران ارتجاع یک بار بخت خود را برای تصرف کتابخانه سعید محسن آزمودند ولی در همان ابتدای حیاسان " اسه کلا " متوقف و محبوس و عقب نشینی شدند. حمله دیگر جماعتداران در ساعت ۹/۵ شب، با حمله متقابل نیروهای انقلابی و مبارزه دفع شد. در این مدحینه مزدوران ارتجاع گوشهائی محنی داشتند.

ساعت ۱۵/۵ شب چهارشنبه ۵۹/۹/۱۳ یک وانت جماعتداران به همراهی یک اتوسیل حامل پاداران از قسمت بالای حیاسان " اسه کلا " خود را به برد یکسبای کتابخانه سعید محسن رساندند ولی وقتی با استقبال " گرم " مردم و نیروهای انقلابی و مبارز روبرو شدند، تراز کردند. از طرف نیروهای انقلابی و مبارز حرکتی پیوسته بر روی وضع پاداران میشد. بعد از دفع حمله پاداران مزدور، راه پادانها کنترل و مستحکم شد. به حمله سعدی پاداران نیز عقیم ماند و آنها معبوس شدند از همان نقطه اول یا به فرار بگذاردند. پاداران مزدور تا صبح در حوالی " اسکی محله " گشت میزدند ولی جرأت ورود به محله را نداشتند.

بعد از ظهر چهارشنبه ۵۹/۹/۱۳ پاداران به " ماشی تکیه " نیز بورس آورندند ولی در آنجا نیز با مقاومت مردم و نیروهای سیاسی و مردمی که از آنها حمایت میکردند، روبرو شدند و کاری از پیش نبردند. بعد از ۲۴ ساعت حمله مداوم جماعتداران و پاداران مزدور به نیروهای مردمی، دیگر هم مردم شهر از عاجز مطلع بودند. مردم بر سر هر کوی و سبزه جمع میشدند و نفرت و انزجار خود را از سرکوب نیروهای انقلابی و مبارز ابراز میداشتند. سبزمی پاداران خشم و کینه فراوانی را بر میانگیخت.

روز ششمشنبه ۵۹/۹/۱۳ ماردیکر مادران و خواهران انقلابیون و مبارزین در بند میتوان اعتراض نسبت بدو حسیگریهای پاداران مزدور و دستگیری فرزندانشان در فرمانداری آمل متحصن شدند و با زهم جماعتداران به آنها حمله و رتدند. دامنه درگیری هر لحظه وسعت میافت و به گوشه و کنار شهر کشیده میشد. بسیاری از فرزندانی مبارز شهر در جریان این درگیریها دستگیر و زندانی شدند. پاداران ماردیکر به " ماشی تکیه " و " اسه کلا " بورس آورندند. شهریکبار به مقاومت بود و پاداران که نفاذ بر جبهه داشتند، بی محاسبه هر سوشلیک می کردند حتی کوجه و بیس کوجه های شهر از اشک آور در امان نماندند.

بعد از ظهر ششمشنبه ۵۹/۹/۱۳ کتابخانه سعید محسن یک ماردیکر مورد هجوم سنا از ۵۰۰۰ فالانز جماعتدار

پیش بسوی تشکیل هسته های مسلح خلق

قرارگرفت. ولی مقاومت یکپارچه مردم آنها را وادار به عقب نشینی کرد. ولی یار دیگر یاساران مزدور در پیشاپیش جماعتاران با شلیک گلوله و گاز اشک آورسوی نیروهای انقلابی و مبارز مردمی کدبه مقابلیه سنا مزدوران می پرداختند، میکشیدند راهی بسوی کتاخانه بگشایند.

محلته یکپارچه شور و مقاومت بود. مردوزن، پیرو جوان و حتی کودکان خردسال با سنگ و آجر در برابر یسوز - رش مسلحانه مزدوران بدفاع از خود برخاسته بودند. در نتیجه شلیک یاساران ضد خلقی جبارین از سارزسوز و انقلابیون زخمی شدند. با نزدیک شدن یاساران و جماعتاران مزدور به کتاخانه، مقاومت هر چه سخت تر میشد. مردم برای خنثی کردن گاز اشک آور لاستیکها را آتش میزدند و برای دیگران از سرکه و آب لیمو گرفته تا پیاز و سیگار میآوردند. بالاخره یاساران توانستند کتاخانه را تصرف کنند و آنرا به آتش بکشند ولی مردم در حالیکه شعار "مرگ بر این رژیم ضد خلقی" را با تمام وجودشان تکرار میکردند، با ضد حمله خود آنان را عقب راندند و دوباره کتاخانه را گرفتند. با زخم یورش یاساران و با زخم مقاومت مردم، یورش یاساران و مقاومت مردم در رابطهای تنگاتنگ با هم شکل میگرفت. مردمی که مورد سرکوب مسلحانه یاساران و جماعتاران مزدور قرار گرفته بودند، در محله نبرد مردمی یافتند که با دشمن مسلح باید مسلحانه مقابله کرد. مردم بخوبی درک میکردند که با دست خالی نمی توان در برابر گلوله دشمن ایستادگی کرد. مردم میگفتند: "باید سلاح بدست گرفت و جلوی این بی دین و ایمونها ایستاد".

در حالیکه گروهی از مزدوران میکوشیدند مردمی را که بد دفاع از خود برخاسته بودند، بپراکنند، گروهی دیگر از مزدوران از چهاراد "اسپه کلا" نظرف مردم حمله آوردند و با دیگر برادران مزدورشان، از دو سو شروع به تیراندازی نظرف مردم کردند. دیگر وقت عقب نشینی فرار شد. آخر مگر میشود با دستهای خالی در برابر مسلسل ایستاد؟ همه خانه ها آماده پناه دادن به کسانی بودند که از تیررس مزدوران، کتار میکشیدند. درگیری "استی محله" تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه داشت.

در همین روز یاساران موفق شدند "مشتاقی بگه" را نیز تصرف کنند. در "چاکر" کارگرز حمتکنی با نام حسین سالار محمدی، در اشرا صابت گلوله با ساران ضد خلقی به شهادت رسید. تعداد کسانی که تنها با گلوله زخمی شدند بیش از ۱۰ نفر بود.

روز جمعه ۵۹/۹/۱۴، قرار بود جنازه کارگر شهید حسین سالار محمدی بوسیله گروه وسیعی از مردم، از خانه شهید واقع در "پا تین بازار" تشییع شود ولی جماعتاران حزب اللهی قبل از تجمع و تشکل مردم بخانه شهید حمله کردند و جنازه را نیز با خود بردند. مزدوران در این یورش بیوز و آرد خانه ها را شند که گمان میکردند انقلابی یا مبارزی را در خود پناه داده است. آنها بشیوه معمول سعی کردند چنین وانمود کنند که گویا نیروهای انقلابی و مبارز مسیب در گریبها هستند. مزدوران کوشیدند تا مسئولیت قتل کارگر شهید حسین سالار محمدی را نیز به نیروهای مبارز و انقلابی نسبت دهند. آنها با اعلام برگزاری مراسم شب هفت شهید در ترکیه "قادی محله" خواستند دست خون آلود خود را از خلق مخلص نگه دارند و برای اینکار ارگانهای ریز و درشت حکومتی دست سکار شدند: روزنامه جمهوری اسلامی طبق معمول بدروغ گوئی پرداخت و طبق معمول خود را رسوا تراخت. "انجمن اسلامی دانش آموزان آمل" طی یک جزوه با اصطلاح تحلیلی کوشید تا بسیم خود دستهای تا به آرنج خونین با - ساران ضد خلقی را بیوشاند. این جزوه "تحلیلی" خود به تنهایی دلایل کافی بر اثبات جنایت از جانب یاساران را سا خود دارد. حتی انجمن اسلامی هم نمیتواند انکار کند که شهید حسین سالار محمدی "هدف شلیک گلوله ۳ قرار گرفته" ولی تلاش مذبحانهای دارد تا ثابت کند که تنها یاساران به سلاح ۳ - مسلح نیستند و..... اما تمام این کوششها جز برای نگیختن خشم انقلابی توده ها اثر دیگری ندارد.

مبارزات چهار روزه آمل بخوبی نشان داد که مردم آماده مبارزه برای کسب حقوق و آزادیهای خود هستند و تنها تشکل و تجهیزات میخواهند تا دشمنان خود یعنی امپریالیسم و مکیهای زنجیریش را بگورن بسیارند. این معنی است که جبران آن تنها و تنها نمیده بپشاهنگان راستین خلق است که دل درگرو دفتر و روزنامه ای قانونی نیستند و آنچه که می اندیشند تنها خلق و در برابر آن بیولتاریا و بیروزی تاریخی اوست.



تنها يك خلق مسلح است كه مي تواند آزاد زندگي كند!

گزارشی از "وضع جنگ زندگان در مسجد سلیمان"

در جریان جنگ با عادلانه دولتهای ایران و عراق، مردم شهرهای آبادان، اهواز و خرمشهر ستاقی ما نزد مسجد سلیمان، رامهرمز، ماهنهر، آغا جاری و شوشتر روانه گشتند. جنگ زندگانی که بشهر مسجد سلیمان آمده اند در خانه آشنا یان و اقوام خود زندگی می کنند و با مسافرخانه های "کیهان" و "ایران" رفته اند. تعداد این جنگ زندگان در حدود ۴۰۰۰۰ نفر میباشد.

آوارگان جنگ، اکثرًا از حزب جمهوری اسلامی متصرف بوده و مخالف حاکمیت فعلی هستند. آنها از نظر ما بحتاج عمومی در وضعیت بسیار بدی قرار دارند. با وجود آنکه به آنها کوپن هایی برای تهیه ما بحتاج عمومی می داده اند. اما مواردی دیده شده است که زمانی که جنگ زندگان برای دریافت سهم مواد غذایی و دیگر لوازم مورد نیاز خود به "کمیته کمک به آوارگان جنگی" که در دبیرستان هفده شهریور مستقر است، می روند، کمیته جیها، اشکالاتی در جهت تحویل اجناس به این جنگ زندگان بوجود می آورد. از جمله اینکه کمیته جیها از زنانی که برای گرفتن بیتوجه کمیته رفته بودند می پرسند که "اهل کجائی؟" زنان آواره در جواب گفتند: "اهل اهواز" کمیته جیها گفتند: "شما که جنگ زده نیستید، ما به اهواز بیایید و بشوید و بگره لوازیم را نمیدیم." زنان آواره که در جریان این جنگ ضیاع حائمی و مالی سنگینی را متحمل شده بودند و دیگر جان بدانشان رسیده بود و فرباها اعتراض خویش را سردادند. کمیته جیها که خشم این شیر زنان را دیدند، تسلیم شده و آوارگان توانستند پتوهای خویش را بگیرند. اینست گوشه ای از آنچه که نصیب خلق ما از این جنگ شد.

دستان ها و مدارسی را -
هنجائی تحصیلی مسجد سلیمان
که تا اوایل آذرماه سال
تعطیل بودند، در تاریخ

(۵۹/۹/۲۳) باز شده و مشغول
بکار شدند. اما دبیرستانهای
این شهرستان تا هنگام تهیه
این خبر همچنان تعطیل باقی
مانده اند.

تهران:

۵۹/۹/۳۰ - تا این تاریخ ۷ روز است که جنگ زندگان خرمشهری در مقابل نخست وزیری دست به تحصن زده اند. این جنگ زندگان که در حدود ۴۰۰۰۰ نفر هستند خواهستار حقوق ۴ ماه گذشته خویش میباشند. چند روز پیش نماینده نخست وزیری بجمع جنگ زندگان آمده و در مقابل آنها خواسته های آنان گفت: "بروید گمشید، اگر راست میگوشید به خرمشهر بروید و بجنگید." جنگ زندگان در جواب پرسیدند: "با کدام اسلحه، دست خالی برویم بجنگیم؟! اطلاق جراثیم مقامات دولتی خودتان بر ما روید بجنگید.؟....." اما پاسخ نماینده نخست وزیر همان بود که قبلاً گفته بود. فقر، گرسنگی در بدری جواب نخست وزیری برای زحمتکشان بود.

تهران: در روز شنبه ۵۹/۹/۱، در حدود ۱۵۰ هزار و پانصد نفر از زندگان ماشینهای شخصی که به سلسله نبودن بنزین بیکار شده اند، در جلوی سازمان تراسک تراسک جمع شدند. آنها میگفتند که سازمان تراسک مدت سه ماه است که ما را علاف کرده است و تاکنون هیچ جوابی نمانده است. در این روز آنها مجدداً "خواستار رسیدگی بوضع خود شدند. اما مسئولین جوابی به آنها ندادند. را زندگان ماشینهای شخصی با ناراحتی و عصیانیت دست بر اهیمائی زدند. آنها تا جلسهای نخست وزیری رفتند، شعارهایی چون: ما شخصی های بیکار خواهان کار هستیم، سازمان تراسک محل بدید گردد، تشنگی، گشنکی شعار دولت ماست و مرگ بجزب جمهوری اسلامی، میدادند.

را زندگان بیکار در جلوی نخست وزیری نما بید گانگی بین خود انتخاب کردند و آنها را برای مذاکره و گفتگو با مسئولین فرستادند که نتیجه ای تا نشان شد را زندگان همگی یکصدا خواستار دیدار با رجائی شدند، اما با فحش و ناسزای مسئولین مواجه شدند. را زندگان وقتی با این وضع مواجه شدند، در خیا بنا نهاد دست بسه راهیمائی و تظاهرات زدند و شعار مرگ بر رجائی دادند. سپس راهها را بستند و در دند تا صدای خود را گوش دیگران برسانند. مردم از آنها حمایت میکردند. در حین راه استانبول پاسداران به را زندگان حمله کردند و ۷۵ سفرازان را دستگیر کردند و بقیه را کشته کردند. روزنامه جمهوری اسلامی بشیرمانه این زحمتکشان را هوادار شاه خاش و بختار مزدور قلمداد کرد و دولت مدخلتی جمهوری اسلامی نیز سالوسانه اعلام نمود که جندی دستگاه تویوسی در مسیرهای مختلف می گذارند و این را زندگان می توانستند مشغول کارشوند زحمتکشی بصرمی!

(بقیة درصدا)

مسئله بنزین و زحمتکشان

چند ماهی است که از اجرای طرح جیره بندی بنزین توسط حکومت جمهوری اسلامی میگذرد. اکنون دیگر کیست که نداند آنچه که از این طرح حاصل شده فشار بیشتر بر تعدادی از زحمتکشان میهنیان است. کیست که نداند جیره بندی بنزین در واقع فقط در مورد زحمتکشان به اجرا گذارده شده است، چرا که شروتمندان توانستند - اند بطریق گوناگون، کمبود بنزین خود را جبران کنند. مثلاً کم دوستان دم کلنت خود را ببینند و با ازیاد زار آژاد کوپن بنزین تهیه کنند و یا بهر حال آنها با استفاده از امکانات خود قادرند که مشکل بی بنزینی خود را حل نمایند. آنچه که میماند، مشکل بی بنزینی و گرانی آن برای زحمتکشان است. چه بسیار زحمتکشان که با اجرای طرح ۳۰ لیتر بنزین در ماه (که تا زگیب ماه ۴۵ لیتر در ماه افزایش یافته است) کار و کاسبی خود را از دست داده اند و به صاف عظیم بیکاران افزوده شده اند. ما در خبرنامه های قبلی گزارشاتمی در مورد وضعیت این رانندگان بیکار و مبارزات آنان برای دریافت مقدار بنزین مورد احتیاج خود، درج کرده ایم. اینبار نیز گزارشی در این مورد از شهرستان فومن داریم.

فومن

روستایان روستاهای اطراف شهرستان فومن اکثراً برای رفت و آمد خود به روستاهای اطراف و یا شهرستان فومن، از موتورسیکلت های مسافربری استفاده می نمایند. بهمین دلیل عده کثیری از اهالی از طریق رانندگی این موتورسیکلت ها، مقداری از هزینه سنگین رانندگی شان را تأمین می کردند. حتی عده ای نیز خانواده ۷ الی ۸ نفری خود را از این راه اداره می نمودند. اما با قطع بنزین این عده از کار بیکار شده و روزگاری سخت تر از گذشته را می گذرانند.

این موتورسیکلت داران در اوایل اجرای طرح "جیره بندی بنزین"، هفته ای ۲ بار بنزین دریافت می کردند. بعد از این دو هفته از طرف فرمانداری و ستاد بسیج برای آنان کارت صادر شد و مقرر گردید که هفته ای یکبار در روزهای جمعه موتورسیکلت داران بمقدار مخزن بنزین موتورسیکلت شان بنزین دریافت دارند. این مقدار بنزین گرچه نمیتوانست نیاز آن عده از افرادی را که توسط موتورسیکلت مقدار زیادی از مخارج زندگی خود را تأمین می کردند برآورده کند، ولی حداقل آنها میتوانستند نیازهای و ذهاب خود را برطرف سازند. بعد از ظهر روزهای پنجشنبه موتورسیکلت داران بخیا بان مشرف به تنها جا بگاه بنزین شهرستان فومن میرفتند و شب را با سرما و باران بصح میرساندند، تا بتوانند فردای آنروز سهمیه بنزین خود را دریافت دارند. طول صف آنها اغلب به ۲ کیلومتر میرسید.

روز جمعه ۵۹/۹/۷ نیز همانند جمعه های قبل که موتورسیکلت داران از بعد از ظهر روز قبل به جا بگاه بنزین آمده بودند تا بنزین دریافت نمایند از مسئولین بمب بنزین جواب شنیدند که: "از طرف فرمانداری دستور داده شده که به موتورسیکلت ها بنزین ندهیم." موتورسیکلت داران که شب را تا صبح در کنار خیابان سررسانده بودند از این امر خشمگین شده و تصمیم گرفتند که خود با فرمانداری صحبت نمایند. حدوده ۲۰ نفر از موتورسیکلت داران (بقیه موتورسیکلت داران برای نگهبانی از موتورسیکلت ها در خیابان ماندند) همراه یکی از مسئولین بمب بنزین راهی خانه فرماندار فومن شدند. اما چون فرماندار در خانه اش نبود، جمعیت بطرف شهربانی رفت. مسئولین شهربانی در جواب به آنان گفتند: "ما نمیتوانیم به موتورسیکلت داران بنزین بدهیم، زیرا فرماندار گفته است که موتورسیکلت داران باید برای موتورسیکلت های خود شماره شهربانی بگیرند و مالیات سالهای گذشته آن را بپردازند تا بتوانند کوپن دریافت دارند. آنها میتوانند با استفاده از این کوپنها هفته ای ۳ لیتر بنزین دریافت کنند."

موتورسیکلت داران که وضعیت را بدینگونه می بینند، تصمیم میگیرند که همانجا بمانند تا فرماندار حریفش را پس بگیرد. بعد از یک ساعت "ابراهیمی" مسئول بنزین از طرف فرمانداری و ستاد بسیج سوخت، به جمع موتورسیکلت داران آمده و به آنان پیشنهاد کرد که: "اگر کارت های خود را بدهید تا ما آنها را باطل کنیم در قبال آن ۳ لیتر بنزین شما خواهیم داد." موتورسیکلت داران در جواب گفتند: "۳ لیتر بنزین بجای

مرگ بر ابراهیمی و سگهای زنجیربندی

ما میروند؟ باید مخزن موتورمان را پر کنید." ولی ابراهیمی گفت: "تا زمانیکه شما بلاک شهرهای نمیگیرید، هیچوجه نمیتوانید سوختگیری کنید. در این بین یکی از موتورسیکلتداران میگوید: "ما عده زیادی یلاک داریم، اما بانک برایمان کوپین صادر نمیکند، از طرف دیگر شهرهایی چگونه میتوانست ۴ اتی ۳ هزار دستگاه موتورسیکلت را بدنا مله چندروز نمره کنند؟"

سرانجام موتورسیکلتداران تصمیم گرفتند برای دستیابی بحقوق خود بطور جمعی در مقابل جایگاه سبزین با بستند و از سوختگیری تمام اتوموبیلها بخصوص اتوموبیلهای دولتی جلوگیری بعمل آوردند. در این هنگام "ملاچی" ستوان شهرهای مجمع موتورسیکلتداران آمده و گفت: "ما حتی یک لیتر بنزین هم شخصاً نخواهیم داد مگر اینکه یلاک شهرهای و کوپین دریافت کنید."

موتورسیکلتداران که از برخورد مسئولین با این مشکل سرایا خشم شده بودند یکمدا فریاد برآوردند که: "تا سوختگیری نکنیم، جایگاه را ترک نخواهیم کرد." در این گیر و دار چون ستوان "ملاچی" خود را در مقابل اتحاد و یکپارچگی رحمتکشان ناتوان دید، برای کنترل اوضاع از رئیس شهرهای کمک گرفت. رئیس شهرهای همان حرف ستوان "ملاچی" را برای موتورسیکلتداران بیان کرد و او نیز مانند "ملاچی" با عکس-عمل های شدید رویرو شد. یکی از موتورسیکلتداران با خشم به رئیس شهرهای گفت: "هر کدام از ما این موتورسیکلت با بدخا نواده های ۷ اتی ۸ نفری را اداره کنیم، اگر بنزین نداشته باشیم پس چکار باید کنیم؟ دزدی؟ اگر دزدی هم نکنیم یا با بدخا مال بکنفر مثل خودمان بزدیم که آن کار ما نیست و با..... کسی دیگر از موتورسیکلتداران با تمسخر گفت: "جناب سروان..... شما افسر شایسته ای بودید، خوب میدانید که چگونه مردم را گول بزنند و سپس سرکوب کنید..... دوستان جدیدتان یعنی پاسداران، آنها هم وظیفه ای جز سرکوب ندارند....."

رئیس شهرهای که دیگر طاقتش طاق شده بوده موتورسیکلتداران حمله کرد. آنها نیز با مشت های گره گزیده در مقابل او ایستادند و با فریادهای بلند دیگر مردم را به اتحاد دوسا زده دعوت کردند. پاسداران مستقر در جایگاه سبزین که گروه ضربت معروف و تعدادی از آنان را از مهرقم برای سرکوب مردم به شهرستان فرستاده اعزام داشته اند، بحمايت از رئیس شهرهای برخاسته و با تیراندازی هوایی کردند. مردم با سنج گلوله را با سنگ و چوب دادند. نارانی از سنگ بر سر پاسداران فرو میریخت. در همین بین رئیس شهرهای با سلسله آهنی ضربای بر پای پیرمردی که قادر به دویدن نبود، وارد آورده و او را نقش بر زمین کرد. مردم که از مشاهده این صحنه شتت عصابی شده بودند، پیرمرد را بر روی دستهای خود گرفته و در وسط جایگاه سبزین گذارند و گفتند که "رئیس شهرهای با بد این شخص را مدام وا کنند." پلیس و پاسداران مستقر در جایگاه که اوضاع را بحرانی دیدند، تغییر روش داده و از حمله و تیراندازی دست برداشتند. در نتیجه اوضاع بتدریج آرام شد. آنها دیگر در مقابل اعتراضات مردم عکس العملی از خود نشان ندادند.

با اواخره در غروب همان روز اکثریت موتورسیکلتداران بعلمت اینکه کسی از مقامات دولتی توجیهی بحواله ستهایشان نمیکرد، جایگاه سبزین را ترک کردند، اما عده ای نیز تا ساعت ۱۰ شب در جایگاه باقی ماندند. اما آنان نیز نتیجه ای عابدشان نشد. روز شنبه ۵۹/۹/۸ بنژده و ده ۱۵ اتی ۲۰ نفر از موتورسیکلتداران بجایگاه سبزین جهت کسب نتیجه آمدند که سا از طرف مسئولان همان جواب دیروزی را شنیدند.



(از مفتح ۹)

با مخالفت رانندگان رویرو شد. زیرا به پاسداران اعتماد نداشتند. رانندگان خواستار حضور شهردار در حیات شهرداری بودند و بعد از تحصن دوسا عتبه شهردار را سکورت پاسداران مسلح بنزد رانندگان آمد. شهردار حرفهای قلبی خود را تکرار کرد. و در مورد همکاری دستگیر شده رانندگان نیز مسئله را به انتظامات ارجاع داد. رانندگان با خشم و ناراحتی بیرون کشیده شدند.

در روز ۵۹/۹/۲ رانندگان ماشینهای شخصی طبق قرار قبلی در جلوی سازمان طرح تراژیک جمع شدند و آزادنا بطور آرام و بدون دادن شعار سمت شهرداری مرکزی راهپیمایی کردند. تعداد آنها در حدود ۱۰۰۰ نفر بود. آنها در حیات شهرداری منتظر شدند. در اینجا پاسداران از آنها خواستند تا نما بنده ای انتساب کرده و بهمراه پاسداران پیش شهردار بروند. این مسئله

اخبار کردستان

● مهمانان ● باسگاه یلیس راه میانندوآب

۵۹/۹/۲۶ - در ساعت ۲/۵ صبح بین پاسداران ضدخلقی که با سلاح برای پاکسازی برونسایهای اطراف میانندوآب میرفتند و پیشمرگان قهرمان خلق رزمنده کرد، درگیری آغاز شد. این درگیری تا ساعت ۶ ادامه داشت. از پاسداران مزدور در حدود ۳۵ الی ۴۰ نفر کشته و تعدادی زخمی داشته اند و با جای گذاشتن مقداری سلاح و مهمات از قبیل توپ ۱۰۶ و ضد هوایی و غیره عقب نشستند. در این درگیری به پیشمرگان قهرمان آسیبی وارد نیامد.

ساعت ۱۱ دانش آموزان اقدام به راهپیمایی کردند و با شعارهایی چون: بازگشایی مدارس خواسته خلق کرد، نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا و غیره خواسته های خود را بگوش همگان رسانند. در نزدیکیهای میسدان هلو (عقاب) پاسداران و جاشهای مزدور اقدام به دستگیری دانش آموزان نمودند. این مزدوران ۱۰۴ نفر از دانش آموزان (۴۰ پسر و ۶۴ دختر) را بزداد - نیهای سپاه پاسداران سپردند و بعد از چند ساعت لیست دستگیرشدگان را اعلام کردند.

● سنندج ● تعدادی از سربازان منقضی خدمت

سال ۵۶ راه لشکر ۲۸ سنندج فرستاده اند. رژیم جمهوری اسلامی افراد منقضی خدمت ۵۶ را برای با - سلاح دفاع از مرزها فراخوانده است ولی اکنون سراز کردستان در آورده اند.

● بوکان ● بدنبال اعلام انحلال اداره آموزش و

پرورش شهبوکان در تاریخ ۵۹/۹/۱۵ از طرف مقامات استان آذربایجان غربی "جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان" اداره مدارس بوکان را بعهده گرفت این جمعیت از نیروهای سیاسی کردستان خواست تا در این امر در حد توانائی خود به آنان یاری رسانند. اکثریت خائن بدنبال انتشار اعلامیه ای با تصمیم ارتجاعیون دولتی موافقت نمود.

این افراد که اکثراً آگاه و با وجدان میباشند از اینکه در کردستان باشند احساس ناراحتی و شرم می کنند. لذا تقارای انتقال به جنوب کشور را نمودند. اما با عکس العمل شدید فرماندهان مزدور رو برو شدند. در جواب آنان گفته شده که: "مگر میخواهید دادگناه صحرایی تشکیل داده و حکم اعدامتان را صادر کنیم؟ همچنین تعدادی از افراد منقضی خدمت سال ۵۶ به پاتگان سقز اعزام شده اند و تعدادی نیز به لشکر ۶۴ ارومیه که سرکوب خلق رزمنده کرده مشغول است، اعزام گردیدند. از قریب کاریهای رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی بیش از اینها باید انتظار داشت.

در تاریخ ۵۹/۹/۱۲ دومین جلسه نمایندگان نیروهای سیاسی درباره نحوه اداره مدارس شهبوکان با شرکت شیخ عزالدین حسینی، حزب دموکرات کومله چریکهای فدائی خلق ایران، بیکار و جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان تشکیل شد. در این جلسه در باره چگونگی اداره مدارس و وظایف نیروهای انقلابی سیاسی بحث و تبادل نظر بعمل آمد. در این جلسه از طرف چریکهای فدائی خلق ایران مطرح شد که باید از نیروی پیشمرگه برای تدریس استفاده شود که مورد موافقت جلسه قرار گرفت و هیئتی ماه موریت پیدا کرد تا با زمیندنیهای مدارس را از زیایی کرده و در جلسه ۵۹/۹/۱۹ گزارش دهد.

● سقز ● در روز سه شنبه ۵۹/۹/۱۱ دانش آموزان

قهرمان و مبارز سقز، در جلوی اداره آموزش و پرورش شهرستان اجتماع کردند. آنها خواستار بازگشایی مدارس شدند. مسئولین حکومتی در جواب دانش آموزان رزمنده گفتند چون دولت با عراق در حال جنگ است و غیره، باز شدن مدارس بمنفع "انقلاب" نیست در

در جلسه ۵۹/۹/۱۹ درباره دعوت از معلمان سابق آموزش و پرورش بحث و تبادل نظر بعمل آمد و قرار شد که بوسیله رئیس اداره آموزش و پرورش و یا در صورت عدم قبول این مسئولیت از سوی وی از طریق شورای والدین دانش آموزان از معلمان دعوت شود.

زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی مبارزه میکنند

تهران - هنرستان ایران تکنیک

درسال تحصیلی ۵۸ - ۵۹، بدنبال گنجاندن دروس فیزیک و شیمی درمواد امتحان نهائی سال چهارم هنرستانها ازطرف وزارت آموزش وپرورش رژیم وابسته کمونیستی موجهی ازاعتراف هنرجویان سراسر کشورآفرا گرفت. دلیل این اعتراف عدم تدریس حدی این دروس درسال های قبل به هنرجویان و سیاست زورگویانه و ارتعاعی گردانندگان آموزش وپرورش جمهوری اسلامی بود. درحربان این مبارزه سراسری بحا طرحذف دروس مذکورازمواد امتحان نهائی سال چهارم هنرستانها، هنرجویان هنرستان اسوان تکنیک هندشیانه روزرا دراداره فنی و حرفه ای وزارت آموزش وپرورش متحصن شدند و بلاخره درآشرمبارزه سراسری تمام هنرجویان وشهادت وزخمی شدن چندتن از هنرجویان شیریزبوسیله رژیم، مسئولین امور این دروس را از امتحان نهائی حذف کردند.

درسال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ (امسال) بخشنامه تدریس این دروس به هنرستانها صادر شد. هنرجویان سال چهارم هنرستانها به گنجاندن مجدد دروس مذکور و مواد امتحان نهائی بدلیل فوق الذکر معترض بوده وخواستار حذف آنها میباشند.

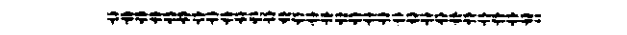
درروز ۱/۹/۵۹، عده ای از هنرجویان هنرستان ایران تکنیک به اداره آموزش فنی و حرفه ای درخیا - بان آیت الله طالقانی مراجعه کرده وخواستیای خود را با معاونت اداره مذکور درمیان گذاشتند ویا سخ منفی دریافت کردند.

درروز ۴/۹/۵۹، هنرجویان این هنرستان درمقابل ساختن وزارت آموزش وپرورش درخیابان سی تیراجتماع کردند وخواستار حذف این دروس از امتحان نهائی شدند. درروز ۵/۹/۵۹، هنرجویان هنرستانهای ایران تکنیک - انقلاب تهران - تکنیکوم نفیسی، شماره ۲۰ شماره ۵ - مستکر - حرفه - ابتکار - دانش وفنی و هنرستان تهران (جمعا" حدود ۱۰۰۰ نفر) مجددا " اجتماع کردند.

در همان زمان مدیران هنرستانها نیز در همانجا جلسه داشتند. بین نماینده وزارت آموزش وپرورش برای هنرجویان سخنرانی کرد وگفت که این خواسته نامانکلی مردود است و نمایندگان شما را هم قبول نفا - ریم. هنرجویان بعد از بحث و گفتگو قرار گذاشتند که روز ۹/۹/۵۹، مازندرامین محل جمع شوند. مدیران

شروع به سمیاشی کردند که " مردسته ها " را اخراج می- کنیم و اگر گلایبها هم پشتیبانی کنند، آن کلاسها را منحل میکنیم و.....

درروز ۹/۹/۵۹، عده ای از هنرجویان (در حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر) در آن محل جمع شدند و قصد ورود به اداره فنی و حرفه ای را داشتند که با نگهبانان و کمیته - چی های مسلح روبرو شدند. حوالی ساعت یک بعد از ظهر هنرجویان ۲ نماینده به داخل ساختمان فرستادند و قرار گذاشتند که نمایندگان جواب قطعی مسئولین آموزش وپرورش را ستا ورنند. بعد از مدت مقرر از نماینده - گان خبری نشد. هنرجویان به داخل محوطه رفتند و متحصن شدند. هواداران جریان منحل کار هنرجویان راه " ستانت و آرامش " دعوت میکردند که مخالفت هنرجویان روبرو شد. بعد از شخصی از پاسداران نیز عین همین درخواستها را از هنرجویان نمود و اضافه کرد به تحصن یا بان بخشند که با هم با مخالفت هنرجویان روبرو شود. تحصن تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادامه داشت. در این ساعت محوطه را پاسداران محاصره کرده بودند. پاسداری به نمایندگان و هنرجویان اخطار کرد که منازل خود بپروند که هنرجویان نپذیرفتند. یکی از پاسداران روی یکی از نمایندگان را کشت و گشت خود را برشتیقه - آتی نهاد و او را سوار ماشین کرد. هنرجویان دور ماشین حلقه زدند و گفتند اگر قرار است کسی را بزنند آن سربید با شما را هم بپزند. در این زمان پاسداران داخل محوطه به تیراندازی هوایی پرداختند و عده ای از هنرجویان را دستگیر کردند. گشتی های کمیته نیز به تعقیب هنرجویان پرداختند و تا چند ساعت پاسداران خیابان سی تیرا ترق کرده بودند و هر کس که کتاب بدست داشت و هنرجو بود، دستگیر میشد.



بابل - هنرستان نوشیروانی - گنج افروز

هنرجویان این هنرستان نیز به همراه هنرجویان سراسر کشور خواستار حذف دروس فیزیک و شیمی و ریاضی از امتحان نهائی برای هنرجویان سال چهارم میباشند. هنرجویان سال چهارم هنرستان نوشیروانی با بل همراه با اعتراض هنرجویان سراسر کشور به تکلیف افتادند و کوشیدند تا موضوع را پیگیری نمایند. نمایندگان هنرجویان با هنرجویان شهرهای ساری - قلم - شهر - آمل - بهشهر و غیره تماس گرفتند. در تمام

درود بر شاگردان راستین صدها بیرونگی

فقط حکومتی ها حق دارند!!

تهران

دبیرستان فرگام (خوارزمی سابق) در تاریخ ۵۹/۹/۱۵، دانش آموزان این دبیرستان مشغول خواندن ویژه نامه مجاهد در سعادتی بودند. در این هنگام دبیران مورتربیتی (تربیت) سر رسید و ویژه نامه را کند. دانش آموزان با این حرکت بمخالفت برخاستند و از زمین بکلاس خودداری کردند. در بین دانش آموزان درباره آزادی فعالیت سیاسی و شورای دانش آموزی بحث و گفتگو در گرفت. نمایندگان دانش آموزان با مدیر و دبیران مورتربیتی گفتگو کردند که جواب آنها منفی بود. جالب اینکه در مقابل این اعتراض که اگر ما حق نصب پوستر و اعلامیه نداریم، پس آقای شریعت (دبیر تربیتی) نیز حق چنین کاری را ندارد. گفته شد که: "پوسترها و عکسها متعلق به ارگانهای حکومتی بوده و ما چنین حقی نداریم" زهی بشرمی!

در دوره شاه خائن نیز پوسترها و عکسهای متعلق به ارگانهای حکومتی در درون دبیرستانها چسبانده میشد. شاهتها بسا راست.

تهران

دبیرستان مسعودکیهان تحصن سه روزه بیش از ۸۰۰ تن از دانش آموزان دبیرستان مسعودکیهان موجب شد تا شورای مرکب از ۳۰ نفر از معلمان و ۸ دانش آموزان از جانب مدیر دبیرستان صادر شده بود، لغو کند. اخراج این دانش آموزان بدلیل اعتراض آنها به معلم دینی بود که سر کلاس درس ساز. ما نهی انقلابی و مبارز توهمین میکرد.

بابل

دبیرستان ۲۲ بهمن خدمات بازرگانی در تاریخ ۱۲ و ۱۵ و ۱۶/۹/۵۹، بین دانش آموزان ان هوادار جوان نهی سیاسی از یک سو و اعضاء انجمن اسلامی دبیرستان از سوی دیگر، بعزت فروش نشریات و بیخ اعلامیه ها، مشاجره و درگیری پیش آمد. انجمن اسلامی جی هاستا بوظایف جاسوسی که بر عهده دارند، مکرر به پاسداران تلفن کردند. پاسداران نیز هر بار دبیرستان مراجعه کردند. اما همیشه با هووتمسخر دانش آموزان مواجه شدند و دست از بازگشتند.

بابل

دبیرستان مفتح دانش آموزان مبارزان دبیرستان در روزهای ۱۶ و ۱۷/۹/۵۹، در رابطه با آزادی فعالیت های سیاسی دست به اعتراض زدند. در این حرکت هواداران

این شهرها به مسئولین مراجعه کردند ولی در همه جا با این جمله که: "از دست ما کاری ساخته نیست" روبرو شدند.

بالاخره در تاریخ ۲۹/۹/۱۵ نمایندگان هنرستان نهی نوشیروانی، شریف واقفی و ساختمان به نهران مسافرت کردند و آقای مهندس بی آزار معاون کنسل آموزش و پرورش بمذاکره پرداختند. معاون کل آموزش و پرورش جمهوری اسلامی نمایندگان هنرجویان را "ستون پنجم و ضد انقلاب" خواند. نمایندگان بی نتجه با رگشتند و موضوع را با هنرجویان در میان نهادند. این مسئله باعث خشم و اعتراض هنرجویان شد. هنرجویان تصمیم گرفتند که از حضور در کلاس مربوط به درسهای مذکور خودداری کنند. و در روز ۵۹/۹/۹، در سهای ورزش هنرستان جلسه ای با شرکت هنرجویان سال چهارم نوشیروانی و رئیس و معاون هنرستان تشکیل شد. از این جلسه نیز نتیجه ای عاید هنرجویان نشد و تنها رئیس هنرستان گفت که با خواست شما موافقم ولی کاری از دست من ساخته نیست. البته در این جریانات طبق معمول فالانژها و انجمن اسلامی جی هاستا همواره سنگ اندازی میکردند ولی کاری از پستی بریدند و رئیس هنرستان که در اشراف هنرجویان در سالن آن حرف فربسکارانه رازده بود، بعد از آن انگار برای هر - ان خطا (شروع بدست گیری نمود و حتی چندبار هنرجویانی را مضروب ساخت. اما هنرجویان بدلیل جلوگیری از انحراف مسیر مبارزه شان این رفتار رئیس را مسئله ای فرعی تلقی کردند. در روز ۵۹/۹/۱۱ هنرجویان هنرستان شریف واقفی و هنرجویان نوشیروانی دست بر اهیمائی زندوبیا پلاکاردها ئی مبنی بر اعلام همبستگی با هنرجویان سراسر کشور به سمت اداره آموزش و پرورش حرکت کردند.

در بین راه هنرجویان هنرستان ساختمان نیز به آنها پیوستند. بعد از اینکه اداره آموزش و پرورش رسیدند رئیس اداره مذکور صحبت کردند ولی طبق معمول نتیجه ای نگرفتند. در این فاصله هنرجویان هنرستان دخترانه ساختمان نیز به آنها پیوستند. سر هنرجویان نطقا مه ای مبنی بر اعلام پشتیبانسی و همسگی با هنرجویان سراسر کشور خواندند و آنگاه نمایندگان گفتند که چون هنرجویان تهران و دیگر نقاط هم یک هفته بعزت داده اند ما نیز یک هفته دیگر به استیلا بعزت مدد هم و بعدا "طبق حرکت سراسری مبارزه را ادامه خواهیم داد.

رفقا گرجی: کمک مالی شما رسید.
کد ۵۵۵۵۵۵ - کمک مالی بابل.

جریکهای فدائی خلق ایران ، مجاهدین خلق و..... شرکت دانشمند. دانش آموزان از مدیر مدرسه خواستند تا به حراستهای آنان پاسخ دهد. مدیر سبزی طبق دستور به تهدید پرداخت و در مورد هجوم پاسداران به دبیرستان هم از خود طلب مسئولیت کرد.

=====

تاریخ **دبیرستان نوشروانی**

در روز چهارشنبه ۵۹/۹/۲۶، عده‌ای از هنرجویان مبارز اقدام به فروش نشریه و نمک دیوار کوب نمودند. اعضای انجمن اسلامی با شعارهای خاص خود و اعتراض قهقهه‌درگیری داشتند. هنرجویان منظم و حسابت از هنرجویانی که نشریه میفروختند، بدو آنها حقه زده و زنجیر بستند و با شعارهایی چون: زنده باد آزادی، مرگ بر اخصاق و..... اعتراض خود را در مقابل حرکات فالانژها نشان میدادند. معاون هنرستان با بلندگواز هنرجویان میخواست که بکلاس بیرون آید هنرجویان به بحث و گفتگو مشغول بودند. در این میان بچه‌دوانی " نیم شید" (عضو سیخ و انجمن اسلامی هنرستان که علت آنکه در سرکوب خلق زرمسده در ترکت داشته و یک سایش را هم از دست داده است و به خیال اینکه او کشته شد، برای مراسم عزاداری و عظیم برگزار کرده بودند با این نام معروف شده است) جهت جلوگیری از فعالیت هنرجویان مبارز بسیار به تحریک بود.

=====

تاریخ **مدرسه راهنمایی اعظم**

در روز ۵۹/۹/۱۷، پاسداران ضد خلقی با یک لند - زورویک سیمرغ به مدرسه راهنمایی اعظم " سید حلال " حمله آوردند و اعلامیه‌ها و دیوارکوبهای هوادار - آن جریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق را کردند و با خود بردند. دانش آموزان بهنگام رفتن این سردوران از مدرسه، با " هو " کردن، آنها را بدرقه نمودند.

=====

لشت نشاء **دبیرستان دخترانه بیروسی**

مقاله‌یکی از دانش آموزان دبیرستان بیروسی درباره جنایات امیربالیسم آمریکا در آسوا و فریقا که مورد توجه دانش آموزان همکلاسی اتی قرار گرفته بود، با اجازه مدیر دبیرستان بزرگ، نویسی شد و برای مطالعه همه دانش آموزان، در راهرو دبیرستان نصب گردید.

آقای رئیس آموزش و پرورش که دبیرنامه‌ای صادر کرده و استه از اعضاء کارگشته حزب جمهوری اسلامی است پس از اطلاع از این امر مدرسه آمد و پس از تیاره کردن دیوارکوب، مدیر و ناظم دبیرستان را نیز از شغل خود برکنار کرد. رئیس آموزش و پرورش لشت نشاء در پی - سخ به اعتراض دانش آموزان، آنها را تهدید به اخراج کرد و گفت همه شما باید عضو حزب جمهوری اسلامی بشوید پس از آنکه تهدیدهای رئیس آموزش و پرورش مؤثر نبود - فتاد، او با تهمت و افترا، ده تن از دانش آموزان این دبیرستان را اخراج کرد.

پس از این عمل فدمردمی دانش آموزان دبیرستان دست به اعتصاب زدند و به همراهی خانواده‌هایشان و حمایت فعال مردم تا بخشدار لشت نشاء را دیدند - بی کردند. دبیرستان تا تاریخ تهیه این گزارش (۵۹/۹/۸) بدلیل اعتصاب دانش آموزان تعطیل گردید.

=====

رشت **دبیرستان حنیف نژاد**

مراجعات مکرر معلمان فزاینده و شمی به آزمون - بشگاه دبیرستان ، برای گرفتن وسائل آزمونایشگاهی نتیجه ماند. به قرار اطلاع طبق بخشنامه وزارت آموزش و پرورش پاسداران موظف شدند تا وسائل آزمون - ناک! آزمونایشگاهی را از آزمونایشگاه خارج کنند و پس آنها فرصت را غنیمت شمرده‌ند و همه وسائل آزمونایشگاهی را به غنیمت بردند. در مراجعات مسئولین به پیشگاه پاسداران ، به آنها گفته اند که تنها یک اسکلت انسان - نی باقی است و دیگر وسائل آزمونایشگاهی میدانستند.

* * *

هرچه مستحکمتر یاد بگیرند دانش آموزان انقلابی
با مبارزات خلقمان

آ - هنرستان صنعتی استخر

ساعت ۱۵/۳۰ دقیقه روز ۱۶ آذر، دانش آموزان هوادار مجاهدین خلق در جلسه خواندن اعلامیه راجع به روز دانشجو، مورد هجوم اعضاء انجمن اسلامی هنرستان قرار گرفتند. در جریان درگیری مدیر هنرستان کمک اعضاء انجمن اسلامی آمد و جهاش از هواداران مجاهدین خلق را در یکی از اطاقها زندانی کرد. اما حزب اللهی ها قانع نشدند و به اطاقی که دانش آموزان در آن زندانی شده بودند، حمله کردند، شیشه های آن شکستند و پس از ورود به اطاق دانش آموزان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

فردای آنروز (۵۹/۹/۱۷) پس از آنکه این چهار دانش آموز به مدرسه آمدند، مسئولین هنرستان، یکی از آنها را تحویل سپاه پاسداران دادند و سه نفر دیگر را از دبیرستان اخراج کردند. دیگر دانش آموزان نفرت و انزجار خود از سیاست های سرکوبگرانه حاکمیت در مدارس را با ترفتن سر کلاسها و تعصن نشان دادند.

دانشگاه شهر (شاهي سابق) جویبار

در تاریخ ۵۹/۹/۱۷، دبیری بنام فقیه در این دبیرستان، دختر دانش آموز مبارزی را که اعلامیه ای در باره ۱۶ آذر را بدیوار نصب میکرد مورد ضرب و شتم قرار داد. دانش آموزان کلاسهای دیگر که متوجه این عمل شدند، از کلاسها بیرون آمده و شیدا " به اعتراض برخاستند. ناظم و مدیر دبیرستان بناهای عباس گل افشانی و ابراهیمی امامی دانش آموزان مبارز را که به اعتراض برخاسته بودند، نوشته و بعد از مدتی حکم اخراجشان را صادر کردند.

دانش آموزان مبارز، باید با افشاء چهره های خود فرخته و همسنگی و پشتیبانی از دوستان مبارزشان در بازگرداندن آنها به دبیرستان هر چه بیشتر کوشا باشند.

آذر شهر

مدرسه راهنمایی طالبانی در تاریخ ۵۹/۹/۲۳، یکی از افراد بسیج به همراه دبیر مظلوم الحال فوق برنامه برای آموزش اسلحه به یکی از کلاسهای این مدرسه وارد شدند. دانش آموزان روی تخته سیاه شعارهای انقلابی نوشته بودند. آنها با ناراحتی و پرخاش شعارها را پاک کردند. دانش آموزان نیز به این عمل آنان اعتراض نمودند. این با ملاح مربیان پیرامون اسلحه شناسی چیزها شناسی روی تخته سیاه نوشتند. ولی دانش آموزان با سرو صدا تنفر خود را از آنها و تدریس آنها نشان دادند و آندو تنفر بسیار را کلاس را ترک کردند. بعد از ترک این کلاس " مربیان " در صدد دستگیری دانش آموزی از این کلاس برآمدند. اما حمایت و اعتراض شدید دیگر دانش آموزان - زنان آنها را ناگام کرد. آن فرد عضو بسیج به همراه عده ای با سدا رچند بار به منزل آن دانش آموز ریختند و بالاخره دانش آموزنا میرده را دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار دادند. در ضمن شورای فرمایشی معلمان که تحت نفوذ سپاه پاسداران است، دانش آموز مذکور را اخراج کردند و او را از حق تحصیل در آموزشگاههای آذر شهر محروم کرد.

تنگین

دبیرستان محبوبه متعین در روز ۵۹/۹/۱۶، تعدادی از دانش آموزان در خواختنای در مدرسه، دست به تحمین زدند و از شرکت در کلاسها خودداری کردند. آنها روز شانزدهم آذر، روز دانشجویان را بدین طریق بزرگ داشتند. این تعصن علیه غم فشارهایی که از جانب سپاه پاسداران و مدیر مدرسه بر دانش آموزان وارد آمد، بمدت چندین ساعت ادامه یافت و در آن از جانب دانش آموزان قطعیانه ای تصویب شد. دانش آموزان در این قطعیانه خواهان بر سمیت شناختن حقوق خود بودند.



دانشجویان و دانش آموزان مبارز: ما بیوستن به جنبش دانشجویی و دانش آموزی و ۱۹ بهمن، صرف دانشجویان و دانش آموزان مبارز میهنمان را مستحکم تر سازید.

۱- هنرستان صنعتی هنرستان تنکابین

در روز ۲۴/۹/۵۹، مدیر هنرستان صنعتی شهرستان تنکابین یکی از هنرجویان را بحرم!!! همراه داشتن تعدادی اعلامیه با ضرب و شتم از هنرستان اخراج کرد. این هنرجو که مراد از یکی از جریانهای مبارز و انقلابی است توسط یکی از هنرجویان فالانز هنرستان لورفته است. هنرجویان هنرستان به این عمل مدیر اعتراض کردند.

* * *

۳- مدرسه خدمات تنکابین

در وقت زنگ تفریح مشغول جیباندن اعلامیه‌ای بود که ناگهان مدیر مدرسه " خانم نرژین " بطرف او دوید و اعلامیه را از روی دیوار کند. دانش آموزان دیگر که ناظر بر جریان بودند، خانم مدیر را " هو " کردند. بحثی طولانی مابین دانش آموزان و خانم مدیر در گرفت. دانش آموزان میگفتند که " چون اعلامیه حزب جمهوری اسلامی بر روی دیوار نصب است، دیگران نیز حق دارند که اعلامیه‌های دیگر گروه‌های سیاسی را بر دیوار بزنند."

سرانجام این بحثها بدون نتیجه پایان یافت و دانش آموزان به کلاس رفتند.

یکی از دانش آموزان مدرسه خدمات تنکابین



تعمیر نام

ما زمان پیشا هشتی سابق به سازمان بسیج دانش آموزی تغییر نام یافت. از تفسیراتی که در محتوی آن پدید آمد، همانقدر پس که سرپرست عالمه اولی شاه خائن بود نظارت بر دومی را - ولایت فقیه عهده دار است!!

دی ماه سالگرد شهادت جریکهای فدائی خلق رفیق حسن نوروزی، رفیق بهمن روحی آهنگران، رفیق فاطمه افرینیا و چندتن از رفقای دیگر میباشد که در مبارزه با امپریالیسم و گنهای زنجیریش با شادمانی خود پرچم سرخ جریکهای فدائی خلق ایران را کشتن ما خسته ما ادا در آهشان یادشان را گرامی مداریم.

در باره کمکهای مالی

برای دقت در امر جمع آوری کمکهای مالی از کلیه رفقای که بمنظور پیش بردن مبارزه با کمک مالی مینمایند، تقاضا داریم که همراه با کمک فرستاده شده حرف اول نام با مبلغ فرستاده شده یا اضافه که در خبرنامه خواهد شد.

درج شود و رفقا از رسیدن کمک مالی خود مطمئن گردند. فی المثل اگر حرف اول نام رفیق "م" باشد و مبلغ حدیال کمک مالی را با کد شماره ۳۲۴ بفرستد، در خبرنامه این کمک بشکل "م - ۴۲۴" درج خواهد شد.

هم میهنان عزیز! جریکهای فدائی خلق ایران برای پیش بردن مبارزه شدیداً به کمک مالی شما نیازمندند. این کمکها را بوسیله مقتضی و از طریق مطمئنی که خود می شناسید در اختیار ما قرار دهید.

پروگرام باد جمهوری دموکراتیک خلق به هبیری طبقه کارگر
 باز کنیز از: هاراران جریکهای فدائی خلق ایران - پاریس.

رفقای مسئول توزیع خبرنامه

بجای خبرنامه ۲۰ ریال است، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان پولی دریافت نکنید.